

وقتی ستاره و عروسک ها جشن گرفتند

۲۵۸

کوله پیشته

ضمیمه روزنامه شهر آرا ویژه کودکان مشهد

۱۶ مهر ۱۴۰۴

چهارشنبه

داداش تازه وارد دوست داشتنی



بچه‌ها، امروز روز شماست!

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان. سلام به همه ی شما گل های زیبای زندگی. امیدواریم که در هر کجای شهرمان خانه دارید، لبنان خندان و تنتان سالم باشد و هیچ غمی در دل نداشته باشید. الهی آمین!

راستی بچه های عزیز، امروز ۱۶ مهر به نام شما یعنی «روز کودک» نام گذاری شده است. روزتان خیلی مبارک باشد. خیلی ممنون که با وجود پر از انرژی و روحیه ی سرزنده تان، به همه چیز رنگ شادی می زنید. اصلا می دانید بدون شما بچه ها، نه خانه و نه کوچه ها، نه بازار و نه خیابان ها در هیچ جای دنیا زیبا نیستند.

باید گفت: همان طور که یک گل کوچک در مقایسه با یک درخت بزرگ نیاز به مراقبت بیشتری برای رشد و ادامه زندگی خود دارد، کودکان پاک و معصوم، بیشتر از بزرگ سالان آسیب پذیرند و نیاز به مراقبت از سوی خانواده و

قانون دارند. بازی و شادی، تربیت، تحصیل، دانایی و یک زندگی در امنیت، حق طبیعی و قانونی هر کودک است. اصلا روز کودک برای همین به وجود آمده است که به مردم کل دنیا یادآوری کند حق و حقوق کودکان باید رعایت شود.

اما متأسفانه این روزها شاهدیم که کودکان زیادی از جمله کودکان فلسطین اشغالی به شکل های مختلف مورد ظلم و اذیت های فراوان قرار می گیرند.

بیایید برای همه بچه هایی که خانه و زندگی خوبی ندارند دعا کنیم و از خدا برایشان کمک بخواهیم. خدا دعای بچه ها را زود برآورده می کند.



طیبه ثابت

فهرست

- دویدن در جا ۱
- چنار بزرگ ۲
- حلقه گل زیبا ۳
- داداش تازه وارد دوست داشتی ۴
- پنکیک موزی ۶
- تفاوت در شهر بازی قشنگ ۷
- محققان آب ۸
- به دنیای رنگارنگ بچه ها خوش آمدید ۱۰
- ریزه میزهای زیبا ۱۲
- بایدها و نبایدها از خانه تا مدرسه ۱۴
- دوست صمیمی آب ۱۶

- صاحب امتیاز:
- شهر داری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- دبیر منائم:
- ارژنگ حائمی
- دبیر کوله پستی:
- طیبه سادات ثابت
- مدیر هنری:
- سید هاشم دقیق
- گرافیک و صفحه آرایی:
- فاطمه سادات هوشیار امامی
- ویراستار:
- طیبه غلام رضایی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahraranews.ir/fa/kids
- پیام رسان روز نامه:
- ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی:
- خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی:
- ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی مستقیم کوله پستی:
- ۳۷۸
- توزیع و امور مشترکین:
- ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲





۱۴۰۴
شماره ۲۵۸

زنگ ورزش



دویدن درجا

سلام بچه های پرانرژی و ورزش دوست. اگر آماده اید امروز می خواهیم یک حرکت سرعتی و خیلی هیجان انگیز یعنی حرکت دویدن درجا بازانو بالا را انجام بدهیم: برای انجام این حرکت ابتدا بایستید و دست هایتان را کنار بدن نگه دارید.

حالا درجا بدوید وزانوهايتان را یکی یکی بالا بیاورید تا نزدیک شکم برسند. دست ها را هم مثل دویدن واقعی تکان بدهید. دست و پای مخالف را با هم حرکت دهید. سعی کنید سریع و با انرژی انجام بدهید، انگار دارید در جای خودتان بدون جا به جا شدن مسابقه می دهید.

این حرکت قلب شما را قوی می کند و پاهایتان هم حسابی پر قدرت می شوند.



نازنین صفاپور





چنار بزرگ

درخت گنده ی چنار
شلوغ و پرسرو صداست
میان شاخه های او
محله ی کلاغ هاست
کلاغ های بی شمار
کلاغ های بچه دار
چه باشکوه و جالب است
همیشه جشن قار و قار
از این محله ی شلوغ
درخت شاد و راضی است
درخت با کلاغ ها
همیشه گرم بازی است
میان شاخه های او
پُر از پَر پرنده است
همیشه توی گوش او
صدای قار و خنده است





حلقه گل زیبا

چی لازم داریم:

شانه تخم مرغ

قیچی

کارتن

گواش یا آبرنگ

چسب مایع یا چسب حرارتی

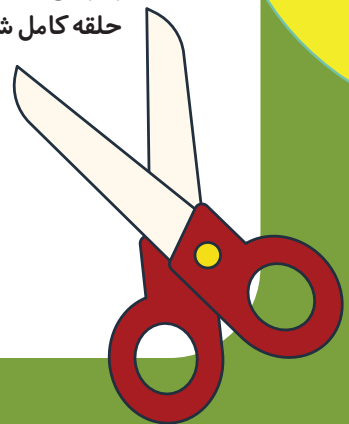
توپک های رنگی یا مهره یا خرده کاغذ



چطوری درست کنیم:

بچه های عزیز شما با کمی خلاقیت می توانید یک کاردستی زیبا درست کنید. کاردستی امروز ما یک حلقه گل است که می توانید آن را به عنوان یک دیوارکوب به دیوار اتاقتان بزنید.

تا به حال دقت کرده اید که کاغذ شانه تخم مرغ ها شبیه گل هستند. برای درست کردن حلقه گل فقط کافی است آن ها را تکه کنید و دور آن ها را مانند گل برش بزنید. سپس برگ ها را هم با سلیقه خودتان برش بزنید، حالا کارتن را باز کنید. دو دایره داخل هم مطابق شکل با مداد بکشید. دور آن را قیچی کنید. حلقه کارتنی و گل و برگ ها را رنگ کنید. بعد از خشک شدن ابتدا نخ را مطابق شکل پشت حلقه کارتنی بچسبانید. برگ ها را به لبه ی حلقه ی مقوایی و گل ها را کنار برگ ها بچسبانید تا حلقه کامل شود وسط گل ها را توپک های رنگی یا مهره یا خرده کاغذ های رنگی یا هر چیزی که دوست دارید، بچسبانید. حالا شما یک حلقه گل زیبا دارید.





داداش تازه وارد دوست داشتنی



و جواب داد: «این چه حرفی است می زنی؟! معلوم است که بازی می کنم. تازه آن وقت من و داداشم دوتایی با شما بازی می کنیم.» خرسی با هیجان داد زد: «داداش کوچولویت می تواند مشق هایت را بنویسد تا تو بیشتر با ما بازی کنی.»

ستاره بلندتر از قبل خندید و همین طور که گازی به یک می زد، گفت: «نه بابا، خیلی کوچولوست. مشق نوشتن بلد نیست.»

موظلایی پرسید: «پس چه کاری بلد است؟» ستاره فکری کرد و گفت: «فکر کنم بلد باشد گریه کند، دست و پایش را تکان بدهد و محکم انگشتم را بگیرد.»

پشمک که حساسی احساساتی شده بود، آهی کشید و گفت: «چه جالب، یک کوچولوی بامزه که می تواند انگشت را بگیرد. حتما می تواند گوش من را هم بگیرد. دماغ خرسی را هم و موهای موظلایی را!»

ستاره دستی به گوش پشمک کشید و گفت: «نگران نباش. مطمئنم خیلی مهربان است. دلم می خواهد ببینمش.» موظلایی با تعجب پرسید: «مگر تا حالا او را ندیدی؟! ستاره همان جور که حواسش از پنجره به حیاط بود، گفت: «یک کوچولو توی گوشی بابا دیدم. دیروز وقتی از بیمارستان تماس تصویری گرفته بود. گفت امروز با هم می آیند خانه. الان است که برسند.» همین موقع بود که زنگ در به صدا درآمد و مادر بزرگ که توی حیاط بود رفت در را باز کند. ستاره جیغی کشید و دوید بیرون: «جانمی، جانمی، آمدند!» خیلی نگذشت که ستاره با خنده و شادی برگشت توی اتاق. پشت سرش هم بابا و مامان و مادر بزرگ آمدند. یک سبد نوزاد کوچولو توی دست مامان بود. بچه کوچولویی توی سبد نوزاد بود. داشت تکان می خورد. خرسی با خوش حالی گفت: «خودش است.»

همه دوست دارند یک خواهر یا داداش کوچولو داشته باشند. آن وقت می توانند دوتایی کلی با هم بازی کنند. ستاره هم منتظر رسیدن داداش کوچولوش بود. ستاره، خرسی و پشمک و عروسک موظلایی اش را روی زمین نشاند. بعد هم یک کوچولویی را جلوی آن ها گذاشت. خودش هم روبه روی عروسک ها نشست و با خنده گفت: «بفرمایید عروسک ها، بفرمایید یک خوش مزه.»

خرسی، شکم گنده و پشمالویش را خاراند و با خنده گفت: «جانمی! یک خوش مزه! ولی حیف که نمی توانم بخورمش چون عروسکم فقط نگاهش می کنم.» پشمک گوش دراز و باهوش گفت: «خرگوش هانمی توانند یک بخورند. هویج می خورند. مخصوصا من که خرگوش پشمکی ام. حالا برای چی یک آوردی؟»

عروسک موظلایی هم سرش را تکان داد و پرسید: «اصلا، یک برای چی است؟ تولدت که نیست. تولدت که همین تازگی ها بود!»

ستاره لیخند بزرگی زد و با هیجان جواب داد: «تولد من نیست. تولد یکی دیگر است. همین امروز قرار است سروکله اش پیدا شود.» خرسی فکری کرد و همان جور که به یک کوچولو خوش مزه زل زده بود، آب دهانش را قورت داد و گفت: «یک عروسک جدید! باز عروسک خریدی؟! پشمک آهی کشید و گفت: «نکند عروسک جدید را از من بیشتر دوست داشته باشی!» ستاره قاه قاه خندید و جواب داد: «نه بابا، عروسک کجا بود! یک داداش کوچولو است که کمی از عروسک بزرگ تر ولی واقعی واقعی است. تازه بزرگ که بشود می تواند یک هم بخورد.» عروسک موظلایی با ناراحتی سرش را پایین انداخت و گفت: «پس اگر او بیاید دیگر با ما بازی نمی کنی؟»

ستاره دستی روی موهای عروسک کشید





تصویرگر: زهره افغانی

گرفت. خرسی و موطلائی و پشمک حسابی هیجان زده شدند و شروع کردند به پیچ پیچ کردن و خندیدن. ستاره لبخند زنان به عروسک ها نگاه کرد و گفت: «معرفی می کنم،، داداش کوچولوی ستاره.» همین موقع داداش کوچولو شروع کرد به تکان دادن لب هایش و صدای بامزه ای از خودش درآورد: «اوه، اوه...» انگار داشت به عروسک ها سلام می کرد: «سلام، سلام عروسک ها من آمدم.»

مامان سبد کوچولو را پایین آورد تا ستاره داداش کوچولو را ببیند. خرسی و موطلائی و پشمک هم سرک کشیدند تا او را ببینند. بامزه بود. کوچولو تر از آنکه فکرش را می کردند؛ بالپ های قرمز و کله بی مو. ستاره به عروسک ها نگاه می کرد و لبخندی زد. بعد انگشتش را جلو برد، درست کنار دست داداش کوچولو. خیلی طول نکشید که داداش کوچولو دستش را جلو آورد و محکم انگشت ستاره را



پنکیک موزی

صبح جمعه مادر توی آشپزخانه مشغول آماده کردن صبحانه بود. علی که حسابی گرسنه بود به مادرش گفت: صبحانه چی داریم؟ مادر گفت: همون چیزیه که خیلی دوست داری! علی رفت کنار مادر. مادر یک بسته پودر پنکیک را داخل کاسه ریخته بود و داشت تخم مرغ ها را به آن اضافه می کرد. علی گفت: آخ جون پنکیک! مادر مواد را با هم زن خوب مخلوط کرد. بعد از علی خواست تا شیر را از داخل یخچال بیاورد. علی شیر را کم کم داخل مایع ریخت. بعد مادر مقداری روغن به مواد اضافه کرد و دوباره هم زد. وقتی مواد خوب با هم قاتی شدند مادر به علی گفت که ماهیتابه را روی گاز بگذارد. وقتی ماهیتابه گرم شد مادر مقداری از مواد را داخل آن ریخت. بعد از پنج دقیقه دو طرف پنکیک ها سرخ شده بود. مادر پنکیک ها را داخل بشقاب گذاشت. بعد علی عسل و موز را آورد و روی پنکیک ها عسل و تکه های موز ریخت. صبحانه روز جمعه خیلی خوش مزه بود. علی از مادرش تشکر کرد که غذاهای مورد علاقه او را درست می کند.

بچه ها یادتان باشد حالا که مدرسه ها شروع شده حتما صبحانه بخورید تا توی مدرسه گرسنه نشوید و درس ها را خوب یاد بگیرید.



چی لازم داریم؟

پودر پنکیک: ۱ بسته

تخم مرغ: ۲ عدد

شیر: سه چهارم لیوان

روغن: ۲ قاشق غذاخوری

موز: ۱ عدد

عسل یا پودر قند: به میزان لازم





تفاوت در شهر بازی قشنگ

شهر بازی یکی از جاهای دوست داشتنی برای بچه هاست. دوستان عزیز بادقت در این شهر بازی قشنگ تعداد ۸ تفاوت را پیدا کنید.



محافظان آب



مهرجان زارچ

بچه های عزیز! همیشه این را شنیده ایم که دنیا مشکل کم آبی دارد و اگر مواظب نباشیم و آب را هدر بدهیم ممکن است یک روزی آبی برای خوردن باقی نماند، اما تا به حال شده کمی دقیق تر به این مسئله فکر کنید؟ خب به نظر الان و قتش است که این کار را بکنید. پس با ما همراه شوید و انواع آب های روی زمین را بشناسید تا بیشتر مراقب آن باشید.

استفاده از آب های زیرزمینی

در خیلی از مناطق دنیا با کندن چاه از آب های زیرزمینی برای کشاورزی، مصرف شهری و کارخانه ها استفاده می کنند. استفاده ی زیاد از آب های زیرزمینی باعث از بین رفتن ذخیره های آب و نشست زمین می شود. یک فضای خالی زیر سطح زمین درست شده که هر لحظه ممکن است سقفش فرو بریزد. پس کندن چاه آب غیرقانونی ممنوع.

آب های شیرین جامد

می دانستید همه ی آب های روی زمین مایع نیستند؟ بخشی از آب های شیرین به شکل جامد هستند. مثل یخچال های قطبی و برف های کوهستانی که مدت های طولانی به شکل یخ و برف در کوهستان ها و مناطق سرد ذخیره می شوند.



آیا می دانستید که دو سوم سطح زمین می گویند با این همه آب دیگر ز نخواهد داشت. اما حدستان این آب شور است و قابل خوردن کل آب های روی زمین آب د که حسابی شورند. چقدر با حدود ۳ درصد. یعنی

آب های شیرین زیرزمینی

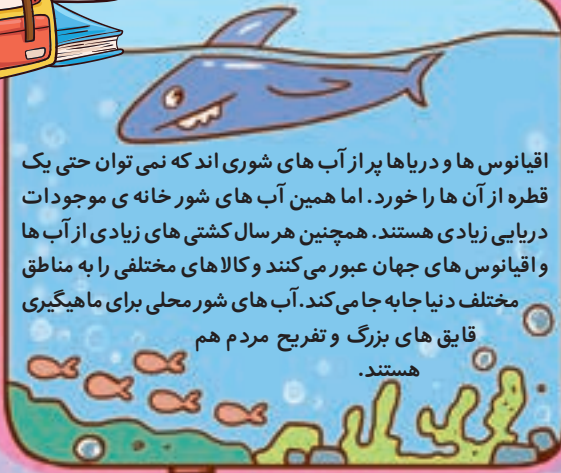
آب های زیرزمینی که در عمق خیلی زیاد قرار دارند هم آب شیرین اند. آب ها چاه، چشمه و قنات هستند. آب های باران و برف به داخل زمین می شوند. این آب ها ذره ذره در دل آب زیرزمینی را می سازند.





آب های شور

اقیانوس ها و دریاها پر از آب های شوری اند که نمی توان حتی یک قطره از آن ها را خورد. اما همین آب های شور خانه ی موجودات دریایی زیادی هستند. همچنین هر سال کشتی های زیادی از آب ها و اقیانوس های جهان عبور می کنند و کالاهای مختلفی را به مناطق مختلف دنیا جابه جا می کند. آب های شور محلی برای ماهیگیری قایق های بزرگ و تفریح مردم هم هستند.



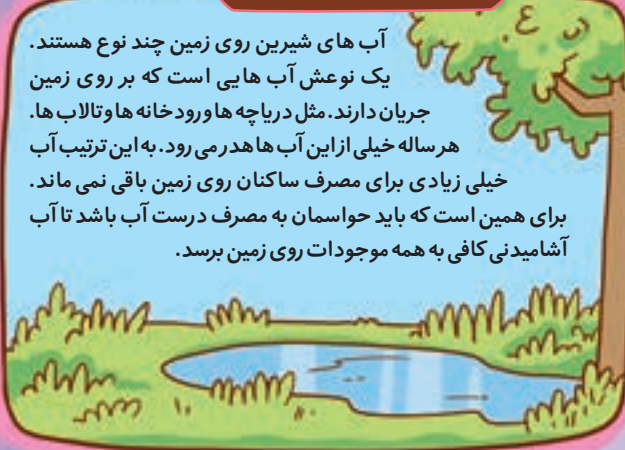
چه قدر آب داریم؟

آب است. حتماً با خودتان همین هیچ وقت مشکل آب درست نیست چون بیشتر دن نیست. تقریباً ۹۷ درصد دریاها و اقیانوس ها هستند قی می ماند؟ فقط خیلی خیلی کم.



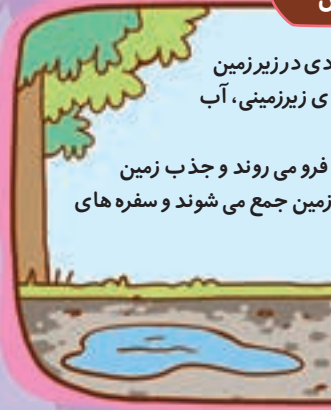
آب های شیرین روی زمین

آب های شیرین روی زمین چند نوع هستند. یک نوعش آب هایی است که بر روی زمین جریان دارند. مثل دریاچه ها و رودخانه ها و تالاب ها. هر ساله خیلی از این آب ها هدر می رود. به این ترتیب آب خیلی زیادی برای مصرف ساکنان روی زمین باقی نمی ماند. برای همین است که باید حواسمان به مصرف درست آب باشد تا آب آشامیدنی کافی به همه موجودات روی زمین برسد.



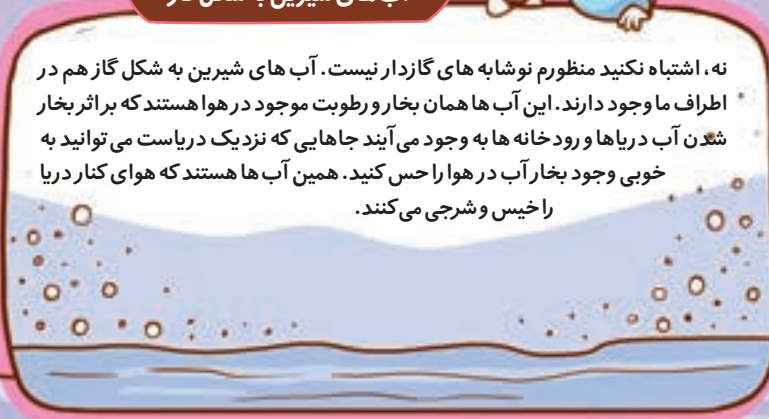
در زیر زمین ی زیرزمینی، آب

فرو می روند و جذب زمین زمین جمع می شوند و سفره های



آب های شیرین به شکل گاز

نه، اشتباه نکنید منظورم نوشابه های گازدار نیست. آب های شیرین به شکل گاز هم در اطراف ما وجود دارند. این آب ها همان بخار و رطوبت موجود در هوا هستند که بر اثر بخار شدن آب دریاها و رودخانه ها به وجود می آیند جاهایی که نزدیک دریاست می توانید به خوبی وجود بخار آب در هوا را حس کنید. همین آب ها هستند که هوای کنار دریا را خیس و شرجی می کنند.



گزارشی به مناسبت روز جهانی کودک

به دنیای رنگارنگ بچه‌ها خوش آمدید

مصاحبه



شیم کریمی

بچه‌های خوب!
درست است که
همه‌ی لحظه‌های
زندگی پدر و مادرها
برای شماست، اما
امروز روز ملی کودک و
ویژه‌ی خود خود شما
کوچولوهای مهربان و
دوست‌داشتنی است.
به این مناسبت، با
تعدادی از دوستانتان
درباره دنیای کودکانه
و آرزوهایشان گفت‌وگو
کرده‌ایم که در ادامه
می‌خوانید.



دنیایی به رنگ بنفش

فاطمه رنجبر، ۱۰ ساله و کلاس چهارم است. در درس‌های ریاضی و فارسی خیلی موفق است و به ورزش، به ویژه شنا علاقه زیادی دارد.

فاطمه می‌گوید: دوست دارم بزرگ شدم دندان پزشک شوم، به همین دلیل خودم هم خیلی مراقب دندان‌هایم هستم و مرتب مسواک می‌زنم.

بچه‌های عزیز! خوب است بدانید که فاطمه دوست دارد در درس‌هایش موفق شود و دلیل پیشرفت و شادی خانواده‌اش باشد. آواز خدا می‌خواهد بچه‌های دنیا همیشه سلامت

و شاد باشند. این دختر مهربان می‌گوید: سعی می‌کنم همیشه نماز را اول وقت بخوانم. کتاب زیاد می‌خوانم و بیشتر از همه به مطالعه داستان‌های شاهنامه علاقه دارم.

فکر می‌کنید فاطمه، دنیا را با چه شکلی بیشتر دوست دارد؟ بله، او دوست دارد دنیا همیشه زیبا و رنگش بنفش باشد. به نظر او رنگ برگ‌های درختان چه در تابستان و چه پاییز خیلی زیبا هستند اما برف را از همه چیز در طبیعت بیشتر دوست دارد. فاطمه برای همه بچه‌های دنیا آرزو می‌کند بتوانند درس بخوانند و در راه خود موفق باشند.





یک ویژگی سرآشپز



سراغ فاطمه زهرا می‌رویم، او هشت ساله و دانش آموز کلاس سوم مدرسه حضرت زینب (س) است و می‌گوید: درس‌هایم تا الان خیلی خوب بوده است. او هنر و ورزش را دوست دارد اما نقاشی و آشپزی برایش خیلی جذاب است. دنیا به نظرش آبی‌رنگ است و آرزو می‌کند وقتی بزرگ شد آشپز ماهر شود. شهر مشهد را دوست دارد، زیرا امام رضا (ع) را در کنار خودش احساس می‌کند. فاطمه زهرا می‌گوید: از خدا و امام رضا (ع) برای بچه‌های فلسطین و غزه می‌خواهم صاحب غذا و آب و خانه بشوند و همه جاسلح و دوستی باشند.

یک پلیس عاشق بستنی



محمد مهرداد سه ساله هم دوست دیگر شماست که می‌گوید: موتوربازی را دوست دارم، بستنی هم خیلی دوست دارم اما زیاد نمی‌خورم تا مریض نشوم. او علاقه مند است وقتی بزرگ شد پلیس شود، البته ورزش فوتبال را هم خیلی دوست دارد. محمد مهرداد به بچه‌های دنیا می‌گوید: خوش اخلاق باشند، مهربان باشند و به همه کمک کنند. آگه ما نشان کمک خواست هم بیشتر کمکش کنند.

داماد قد بلند



اما سید تیمام میدانی، امسال کلاس اول است و بیشتر از هر کاری بارفیکس را دوست دارد و به نظرش در این ورزش خیلی قوی است. رنگ قرمز را دوست دارد. او آرزو می‌کند که زودتر بزرگ شود تا بتواند برای عروس خانم ماشین بخرد. تیمام دوست دارد درسش را خوب بخواند تا وقتی بزرگ شد بتواند گوشی درست کند و مخترع بشود. او می‌گوید: من وقتی زیاد بارفیکس می‌زنم خوش حال تر هستم چون قدم بلند می‌شود. سید تیمام از بین بازی‌های پارک، تاب بازی را از همه بیشتر دوست دارد زیرا می‌تواند تا آسمان بالا برود.

یک قهرمان برای نجات دنیا



محمد صدرا پنج سال دارد و امسال به مهد کودک جدید رفته است که خیلی دوستش دارد. به اسکوترسواری علاقه زیادی دارد. آرزو می‌کند بتواند لباس ابرقهرمان بخرد و پرواز کند و یک قهرمان برای نجات دنیا باشد. محمد صدرا به همه بچه‌های دنیا می‌گوید: دوستتون دارم. بازی کنین، خوراکی خوش مزه بخورین و خوش حال باشین.

دوست همه ی بچه ها



محمد حسین هم چهار ساله است و دوست دارد قدش خیلی بلند شده و روزی بتواند «قهرمان» بشود و از ما زیاد خترخاله کوچولوی خود مراقبت کند. او رنگ آبی را دوست دارد چون می‌تواند آسمان نقاشی‌هایش را آبی رنگ بزند. محمد حسین می‌گوید: می‌خواهم همیشه خوش حال باشم تا همه ی بچه ها با من دوست باشند.

ما هم آرزو می‌کنیم همه ی بچه‌های دنیا به آرزوهای خوب خود برسند و شاد و تندرست باشند.

ریزه میزه‌ای زیبا



جانور شناسی



دنیا پر از آفریده‌های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می‌خواهیم برای شما دانستنی‌های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره سهره سینه سرخ را معرفی می‌کنیم.

تغذیه

از بذر گیاهان و احتمالاً تا حدی از حشرات و حشرات تغذیه می‌کند.



سهره سینه سرخ

نام علمی: *Linaria (Carduelis) cannabina*
نام انگلیسی: Common Linnet

پرندگان

رده

گنجشک سانان

راسته

سهرگان

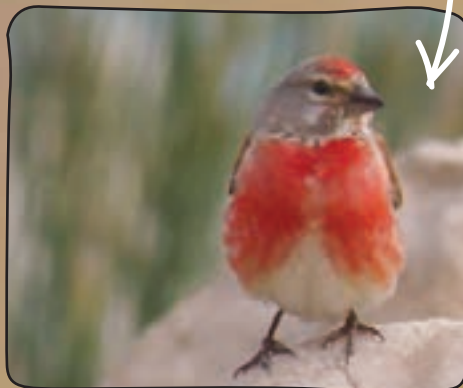
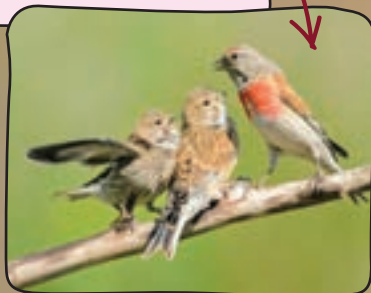
خانواده

لانه

آشیانه‌اش کاسه‌ای از علوفه، ساقه‌های گیاهان است که آن را درون بوته‌های کوتاه و به ندرت روی درختان بنا می‌کند و درونش را با مو، پشم، بقایای گیاهی و گاهی پر می‌پوشاند.

جوجه‌آوری

بین ۵ تا ۶ تخم می‌گذارد.
تخم‌ها آبی کم‌رنگ تا آبی مایل به سفید است با با خال‌ها، لکه‌ها و خطوط صورتی، بنفش، قرمز
۱۰ تا ۱۴ روز تخم‌ها باز می‌شود.
بدن جوجه‌ها در تولد پوشیده از کرک، ناتوان و برای تغذیه وابسته به والدین هستند، در یازده تا چهارده روزگی آشیانه را ترک می‌کنند





۱۶ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۲۵۸

پراکندگی در ایران

در استان‌های آذربایجان، البرز، خراسان، مرکزی و غربی زاگرس و ارتفاعات استان کرمان و زمستان‌ها به نواحی کم ارتفاع‌تر جنوب خزر، شیب‌های جنوبی البرز، دامنه‌های زاگرس، اراضی پست استان خوزستان، حوضه تالاب‌های استان فارس و گاهی سواحل خلیج فارس مهاجرت می‌کند.



ویژگی‌های ظاهری

طول بدن ۱۲ تا ۱۴ سانتی‌متر
طول بال‌ها ۲۱ تا ۲۵ سانتی‌متر
کوچک جثه با روتنه و شانه‌های بلوطی و منقار کوتاه خاکستری است.
دم مایل به سیاه و حاشیه پرهای آن سفید
دو طرف سینه قرمز صورتی، پهلوها نخودی رگه‌رگه، شکم و پوش پرهای زیر دم سفید با سایه‌ای به رنگ نخودی روشن و پوش پرهای زیر بال‌ها سفید دیده می‌شوند.

خصوصیات رفتاری

پرنده‌ای اجتماعی است
در دوره جوجه‌آوری به صورت دوتایی و در خارج از دوره جوجه‌آوری در دسته‌های بزرگ دیده می‌شود.
پروازی سبک و سریع دارد.



بایدها و نبایدها از خانه تا مدرسه

کمیک



مهران اسماعیلی

خوراکی های سالم به مدرسه می برد.



۱ بیا پسرم این رو هم بذار تو کیفیت یادت نره.

۲

ممنون مامان. همیشه برام ساندویچ و میوه بذار. دیگه نمی خوام از بیرون چیزی بخرم.

موقع وارد شدن به کلاس بقیه راهل نمی دهد.



۱

پویا بیا دیگه... چرا ایستادی... زود باش...

۳

آهان... باشه پس صبر کنیم.

۲

چند دقیقه صبر کن. الان خیلی شلوغه، اگه همه هل بدن ممکنه اتفاقی بیفته. تازه بچه های کلاس اولی هم هستن باید مراقب باشیم.

حالا که مدرسه ها باز شده است و بهار علم و دانش از راه رسیده است، شما بچه های عزیز نصف روزتان را در جایی به غیر از خانه، یعنی مدرسه و در کنار بچه های دیگر می گذرانید. بعضی از شما ممکن است در رفتارهایتان در زمینه های مختلف اشتباه کنید. برای همین الان وقتش است که حواستان را درباره رفتارهایتان جمع کنید. باید بدانید که چطوری می توانید با رفتار و کارهایتان کمک کنید تا مدرسه جای بهتری برای همه باشد. کارهایی هست که بچه ها باید انجام بدهند و کارهایی هست که نباید انجام دهند. پویا هم مثل شما حواست را به این چیزها هست و سعی می کند که به بقیه هم یاد بدهد. بیا ببینیم پویا توی یک روز از خانه تا مدرسه چه کار می کند.

۱

پویا نمی خواد خوراکی هات رو بخوری؟



۲

چرا... ولی اول باید دست هام رو بشورم. آخه از صبح تا الان خیلی کثیف شدن.

۳

راست می گی... منم میام دست هام رو بشورم....

مراقب سلامتی اش هست.

۱ زود باش بریم که خیلی گشنمه.



وسایلش را چک می کند تا چیزی جا نگذارد.

۲

بذار چک بکنم ببینم همه وسایلم هست... یک وقت چیزی جا نمونده باشه.





وقتی به خانه
می‌رسد وسایلش را
سر جایش می‌گذارد.



۱ پویا جان بیا ناهار
آماده است.

۲ وسایلم رو بذارم سر جاش
میام الان.



۱ داری چه کار می‌کنی
پویا؟ مامان میگه بیا
چای بخور.

برنامه ریزی
می‌کند.

۲ داریم برنامه ریزی می‌کنم که به همه
درس هام برسم. آخه اگه برنامه
نداشته باشیم از درس ها عقب
می‌مونیم.

سروقت می‌خوابد
تا در کلاس خسته نباشد.

۲ آفرین پسر
که زود می‌خوابی
این چوری سر کلاس
بهتر می‌تونی به
درس هات گوش
کنی.



۱ مامان من امشب زودتر
می‌خوابم، فردا می‌تونم من زودتر
بیدار کنین.

۲ باشه الان می‌ریم.
ممنون که گفتی.

موقع ورزش
مراقب بقیه بچه‌هاست.



۱ بچه‌ها
میشه یک‌کم برین اون
طرف تر ممکنه شوت بزنیم توپ
بخوره بهتون.

دوست صمیمی آب

روایت



توی این دنیای بزرگ جدای از اینکه کم سن و سال باشیم یا بزرگ سال، هرکدام برای خودمان دوست و رفقایایی داریم که در عالم رفاقت و دوستی به هم احترام می‌گذاریم و در همه جا هوای هم را داریم. نه! اشتباه نکنید نمی‌خواهم درباره «چطور از دوستی خوب و مناسبمان مراقبت کنیم؟» حرف بزنم. امروز می‌خواهم درباره دختر درس خوان و نمونه‌ای بگویم که دوست آب است و واقعاً بلد است چطور به آب احترام بگذارد و یک دوست واقعی برای این نعمت بزرگ خدا باشد. بگویید ببینم شما چقدر دوست آب هستید؟



اسم این دختر خوب، صدیقه اسراخَر است که امسال به پایه پنجم رفته است. او اعتقاد دارد همانطور که مراقب چیزهای باارزش زندگی مان هستیم، باید صد چندان مراقب آب باشیم. چون اگر آب نباشد زندگی هم نخواهد بود. چیزهای باارزش هم نخواهد بود. به نظرم که نظریه درستی است.



صدیقه وقت کمک به مادرش و ظرف شستن هیچ وقت شیر آب را یکسره باز نمی‌گذارد، بلکه اول ظرف‌ها را با مایع ظرف شویی می‌شوید بعد در نوبت آبکشی ظرف‌ها، شیر آب را باز می‌کند.





شاید تعجب کنید ولی او از مادرش می‌خواهد که وقتی میوه می‌شوید آب را در ظرفی برای او نگه دارد. می‌دانید برای چه کاری؟ بله برای آبیاری گلدان‌ها. آفرین به او!

هروقت نظافت و تمیزی حیاط خلوت از برگ‌های خشک لازم باشد، صدیقه هیچ وقت زمین را با شیلنگ آب تمیز نمی‌کند. او با یک جارو و کمی آبپاشی این کار را انجام می‌دهد.



در خانه آب حاصل از شستن اولیه‌ی سبزی‌ها به سیراب کردن درختچه می‌رسد. چه کار درست و خوبی!



صدیقه اهل مطالعه است و کتاب خواندن و نوشتن را خیلی دوست دارد. او یکی از دوست‌داران طبیعت است. برای همین، هم کتاب‌های مربوط به مراقبت از طبیعت را می‌خواند و هم برای دوستانش تعریف می‌کند تا سطح آگاهی آن‌ها را بالا ببرد و به دوستان طبیعت و آب اضافه کند.



برسد به دست آسمان

سلام به ابرهای لطیف و سفید.
من از شما تشکر می‌کنم که برای ما از آسمان آب و باران می‌بارید.
اگر شما آب نفرستید زمین‌ها خشک می‌شوند. قنات‌ها خشک می‌شوند. جوی‌هایی آب می‌شوند. مزارع ما می‌خشکند.
زندگی از آب به وجود می‌آید و شما ابرهای مهربان برای ما باران می‌بارید.
من از همه‌ی دوستان خودم می‌خواهم که از آب خوب استفاده کنند و آب‌ها را اسراف نکنند.

از طرف دوست تو صدیقه اسرا

